**مصاحبه با NAAPrivateKabul280818**

**تاریخ: 28 اوگست 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: معرفی مختصر از شما

NAAPrivateKabul280818: اسمم [نام شخص] که مه سرپرست شرکت هستم که همین شرکت کاملا در اختیار ما اس. رییس برادرم است که حالی فعلا نیس اینجه. بعضی وقت ها می آیه در اینجی [گویش هزارگی] بعضی برنامه های کاری که داریم مشترکا کار ما پیش میره. ما کار ما همگی مشترک اس. تنها همین فامیلی که صاحب این شرکت هستیم هیچ کدامشان [فعلا] نیستند اینجه [به جزء از مه].

ک: تعداد کارگر؟

NAAPrivateKabul280818: ما در سال 88 [1388] کار ره شروع کردیم. بالآخره تا سال 91 ره ما تقریبا یک 10، 12 نفر کارگر داشتیم. از سال 91 و 91 کار ما الحمدالله توسعه پیدا کرد. و این فرمول های که ما داشتیم یا موادهای که ما داشتیم و مارکیتی که ما در اختیار داشتیم [از بابت همین ها] ما الحمدالله رُشد کردیم. زیادتر در نمایشگاه هایی که اشتراک کردیم بعضی رقیب های که از خارج از افغانستان هستند ما در مقابل هر کدامشان جنس داشتیم. و الحمدالله آنها ره شکست دادیم. یکی از برنامه های که در کابل مال ما داشتیم در اونجه ما همین جنس ترکی [...] همین جنس ترکی ره از افغانستان ما بیخی سقوط داده ایم. به لطف خدا!

حالی تقریبا 17 در بخش تولید، تنها در بخش تولید، برای ما 17 نفر خانم کار می کنه. و در بخش ماشینری و کارهای دیگری تقریبا 18 یا 19 نفر کارگر اس. که از جمله‌ی 18 نفر تقریبا 6 نفر فنی ما داریم که اینها کلگیش تریلنگ [training تریننگ] دیده اند و خارج روان کرده ایم، ایران روان کرده ایم و تقریبا هر کدامشان یک سال یا شش ماه اینها در اونجه تریلنگ دیده اند. چی در بخش لابراتورا و چی در بخش فرمول. حالی فعلا الحمدالله کار می کنند. خوب است.

اما مشکلات هایی هم است در اینجا. ما اگر امنیت در اینجه باش [...] شما همین شرایط ما ره می بینید که به چی وضعی ما از اینجه خانه میریم و از خانه شرکت می آییم. یکی از مشکلات های بسیار عمده بخش امنیت اس. مشکل دویم [دوم] ما که تقریبا یک دفعه نیس که مثلا ما بگوییم که یک بار ما مشکل برق داریم [یعنی متواتر این مشکل وجود داره] [انتقال به موضوع بعدی] یک نمایشگاه بود در بادام باغ که یک تقدیرنامه ره خود اشرف غنی در دستم داد. به خاطر این که الحمدالله همین مال ما که است به نام [نام تولید] مایع ظرفشویی در بخش مصرف های داخلی زیادترش ما [نامفهوم] کار ما. و نمایندگی های ما الحمدالله فعلا در تمام نقاط افغانستان، مخصوص شمال کاملا زیر پوشش ما قرار گرفته است. چی در مزار، چی در پلخمری، چی در کندز، پی در تخار، چی در بدخشان و چی در کابل.

حالی ما یک نمایندگی در کابل داریم که خود این نمایندگی در بخش های مختلف کابل نمایندگی داره که جنس ما توزیع میشه و در ضمن خارج از کابل ره ما موتر داریم که روزانه پخش میشه.

ک: پس در مجموع 17 کارمند خانم اس و 19 کارمندی که در بخش ماشینری [قطع] پس در مجموع این 36 کارگر ماهوار معاش می گیرند؟

NAAPrivateKabul280818: ماهانه معاش می گیرند، بله!

ک: قرارداد امضاء میشه؟

NAAPrivateKabul280818: قرارداد امضا میشه [ها] اینها خو کارگرهای ما کلنشی [همگی شان به گویش هزارگی] از طریق صحیه [وزارت صحت] رفته اند و کارت گرفته اند و کلگی کارت گرفته ایم از طریق آنها و آمدند اینجی [...] وزارت صحت تثبیت می کنه و درخواست می کنه که این [شخص] از نگاه مریضی ها و تکلیف های روانی اش ره [معاینه می کنه] به این خاطر که کارگرها در داخل کارخانه مختلط اند اکثرشان. مثلا خانم ها کلا کارشان مختلط است. در بخش تولید که اس. یک به دیگر خود تماس های [فزیکی] نزدیک نزدیک دارند. اگر خدای ناخواسته کدام نفرش مریض باشه آدم باید جلوگیری کنه از این مسأله [از سرایت آن]. یا کارش ره سیوا کنه [کار مخصوص شخص مریض ره جدا کنه از دیگران] یا این که [...] الحمدالله هیچکدام اینها مشکلی ندارند در این قسمت.

ک: تولید شرکت به چی گونه است: با دست یا ...[قطع]

NAAPrivateKabul280818: نه حالی کلگی ماشین! یکی وقتی بود که از سال 88 که ما کار ره شروع کردیم تا سال 91 ره یک مقدار کارها ده دیست [دست] بود. و حالی الحمدالله کل کار اتوماته. کلگی نیمه اتومات [...] تماما ماشین ها و بعضی شان مستقلا اتومات هستند. یعنی مواد خام از این طرف داخل میشه و از او طرف مواد پخته بیرون میشه.

ک: کاملا!

NAAPrivateKabul280818: کاملا! فقط تنها فرمولی که جور میشه در خود مکسر نفر مخصوص اس که باز در تولید، مستقیما ماشین تولید می کنه.

ک: در بوتل ریخته میشه؟

NAAPrivateKabul280818: در بوتل ریخته میشه و نفر بسته می کنه و میره طرف بسته بندی.

ک: تقریبا نیمه اتومات؟

NAAPrivateKabul280818: بله. یعنی کارخانه 95 درصد نیمه اتومات اس. تقریبا 4 درصد دیگر کاملا اتومات اس.

ک: فروشات؟

NAAPrivateKabul280818: بسته بسته می فروشیم. بسیار کم مثلا کس های که در داخل همین پارک هستند می آیند یک مقدار موادی که به خاطر ضرورت شخصی می گیرند، به جزء از این دیگر [همه فروشات] به شکل بسته و کارتن صورت می گیره.

ک: یک کارتن چند به فروش میرسه؟

NAAPrivateKabul280818: یک کارتن 12 بوتل داره و اجناس مختلف فرق داره. در مقابل هر جنس [جنس واردتی] ما جنس داریم. در مقابل جنس پاکستانی ما جنس داریم که کیفیتش در مقابل کیفیت مال آنها تقریبا یک فیصد بالاتر است [این فیصدی ها تخمینی و خیالی اند اغلب]. در مقابل جنس ایران ما جنس داریم. اما تنها به نام [نام تولید] که ما تولید می کنیم کیفیت اش بالاترین کیفیت اس که جنس ترکیه هم نداشته و در مقابل ما شکست خورد.

ک: نرخشان چند اس در بازار؟

NAAPrivateKabul280818: نرخ ها فرق می کنه. از 7 دالر، تا 6 دالر، 5 دالر.

ک: یک کارتن؟

NAAPrivateKabul280818: بله، 12 دانه.

ک: برای تولید پیش‌تولید دارید یا به اساس سفارش؟

NAAPrivateKabul280818: نی! این طور است که در اثر درخواستی است. اکثر وقت ها نمایندگی ها درخواست میته که جنس ما ره تولید کنید. چی وقت آماده میشه. دو روز وقت داره. در ضمن ما یک مقدار جنس آماده داریم در کارخانه در انبار برای حالت های فوری.

ک: پس بیشتر به اساس درخواست نمایندگی ها است؟

NAAPrivateKabul280818: زیادتر به درخواست نمایندگی ها است. در انبار هم تقریبا 8 هزار تا 10 هزار کارتن داریم همیشه.

کار ما هم بیشتر وقتش همی وقت ها است که [تلاش می کنیم] پس نمانیم بعضی وقت ها. مثلا در روز تقریبا 800 کارتن یا 1000 کارتنی که تولید میشه اگه امنیت باشه و کلا خط های در کار باشه و [ظرفیت ره به کار بیاندازیم] ما 55 نفر ضرورت داریم در کارخانه و بعضی وقت [وادار میشیم از روی حجم کار] شبانه روزی کار است در کارخانه. روزانه که دخترها یا خانم های که کار می کنن در شب نیستن. باز بچه های که در اینجه هستند همو [به شکل] اضافه کاری تولیدات ما ره پوره می کنند.

ک: حد اکثر ضرورت کارگر 55 نفر است؟

NAAPrivateKabul280818: 55 نفر ضرورت کارخانه است بله.

ک: حد اکثر ظرفیت تولیدی شما چند است؟

NAAPrivateKabul280818: اگر خط های [عرضه و فروشات ما] آزاد باشه [باز باشه] در روزی 2300 کارتن تا 2400 کارتن ما تولید داریم. اما فعلا تولیدی که ما داریم اگه درخواستی ها زیاد شود تقریبا 1200 کارتن در غیر او همو 700 کارتن یا 800 کارتن به طور دایم تولید اس.

ک: این طور وقتی هم شده که حد اکثر تولید داشته باشید؟

NAAPrivateKabul280818: حد اکثر ره بسیار کم وقت داشته ایم. در سال 93 و 94 تولیدات ما زیاد بود و نفر هم زیاد داشتیم. در حدود، ما در او وقت، تا 2100 کارتن ما تولید داشتیم به خاطری که 700 کارتن تنها مایع ظرفشویی تولید داشتیم. 500 کارتن مایع دست داشتیم تولیدی. 400 کارتن ما تنها شیشه پاک‌کن تولید داشتیم. کلا تقریبا 2011 در او وقت ما تولید داشتیم. اما نسبت بعضی مشکلات های داخلی یک عده نفرهای که خیلی خوبی بودن که همراه ما کار کرده بودند آنها رفتند. کمبود کرد نفرها. او وقت 54 نفر تا 55 نفر کارگر داشتیم ما. فقط مشکلات مشکلات امنیت است. اگر مثلا کندز امنیت [...] حالی مثلا زیادتر جنس ما از طریق کندز ازبکستان میره و قزاقستان میره. بازار مشترک داشتند در او وقت ها. باز در بازار مشترک در روزی تقریبا 700 یا 800 کارتن او طرف میرفت و فروش میشد. فقط همین مسأله ی جنگ داخلی همین مشکلات های امنیتی باعث شده که تولیدات کمتر شده.

ک: صادرات هم داشتید؟

NAAPrivateKabul280818: ما داریم [هنوز هم]. اما طرف پاکستان غیر مستقیم ما داشتیم. از طریق نمایندگی های ما داریم صادرات. زمانی که تورخ آزاد بود و خوب بود، وضع تورخ خوب بود، ما در روز از طریق نمایندگی جلال آباد تقریبا ما 500 یا 600 کارتن به او طرف روان می کردیم.

ک: حالی چی؟

NAAPrivateKabul280818: حالی فعلا نی!

ک: فقط در افغانستان؟

NAAPrivateKabul280818: بله ها.

ک: بیشتر در کدام شهر؟

NAAPrivateKabul280818: بیشتر در فروشات ما مزار شریف، کندز اس، و تخار اس. اما تخار زیاد فروشات داشت. تخار و جلال آباد فروشات خیلی زیاد بود. فقط همین امنیت یک اندازه مشکلات [برای ما] پیدا کرده.

ک: پس کابل فروشات ندارید؟

NAAPrivateKabul280818: چرا داریم! در روزی 700 کارتن یا 800 کارتن در روزی در اینجه در نمایندگی میره. جنسی که ما به نمایندگی های میتیم فقط از دم کارخانه اس. موترهایشان می آیه، بارگیری می کنیم و برایشان روان می کنیم.

ک: به تناسب ولایات بیشترین فروشات تان در کجاست؟

NAAPrivateKabul280818: کابل است. برای امروز صحبت می کنم البته. قبلا حالت دیگری بوده. تخار خیلی فروشات داشتیم. جلال آبد خیلی فروشات داشتیم.

ک: منبع اولیه ی سرمایه یتان؟

NAAPrivateKabul280818: منبع اول فقط از کارگری! ما در او وقت یک 15، 16 لک افغانی که داشتیم، تقریبا ساختمان ره شروع کردیم. قیمت چی ره دادیم [...] بالآخره از این طرف و او طرف که کار کردیم و زحمت کشیدیم از اثر کارگری به مقدار یک 6 لک افغانی که او روز ما داشتیم شروع کردیم [این شرکت ره].

ک: در مدت فعال بودن شرکت هم کدام قرضه ای از بانک گرفته اید، یا کمک های مالی دیگری صورت گرفته [قطع]

NAAPrivateKabul280818: ما نی! قرضه ما نگرفته ایم از بانک. فقط قرضه از دوست هایی گرفته ایم که بدون سود بوده. دوست های ما داریم که در اوسترالیا و نیوزیلند و جاهای دیگر بود دوست های ما. پول های که ما از آنها می گرفتیم، قرضه ی سه ماهه و چهار ماهه، بدون سود بود. در ایران که بود ایران الحمدالله خوب بود بعضی شرکت ها که او وقت ها خیلی وضع خوب بود و پیسه اش و بعضی شرکت ها به قرضه هم میداد مال به ما. زیادتر ما به قرضه کار کرده ایم تقریبا سال های 92 و 93 قرضه ی ما زیاد بود از طریق دوست ها. نه این که از دولت ما قرض کرده باشیم یا این که از کدام بانک ما قرض گرفته باشیم در سود، نی.

ک: ارزش کلی سرمایه های شرکت؟

NAAPrivateKabul280818: [stalling] بعضی کارها که است برایتان پیشتر گفتم که ما چندین بخش داریم. بخشی که داریم که حسابات کلی پیش آنها است. بخش اداری داریم. بخش اطلاعات داریم که اطلاعات بیرونی ره جمع می کنه. بخش دیگری داریم که در دفتر دیگر است که [...] به مرجعه ی مربوط ما یک کنفرانس یا دسته جمعی یک نشستی که برادرها سالانه بین خود جمع میشن که چی کار باید بکنیم و از چی طریق باید پیش ببرم [فابریکه ره]. حالی مشکلاتی که ما داریم فعلا این است که نمایندگی ها یک مقدار پیسه پیش شان است که روان نمی کنند. یک اندازه دستمان تنگ شده در همین وقت ها.

کار شرکت که است، یک مقدار سرمایه در مسیر رایه [در مسیر راه است، دورانی است]. یک قسمت سرمایه در شرکت است. یک قسمت سرمایه ی دیگر سر نمایندگی ها یه. یک قسمت دیگر باز در ایران و یا مثلا از ندونیزی که جنس می آیه باید همونجه باشه که نفر جنس بیاره. فعلا که دست ما که تنگ است و در همین وقت، صرف به خاطر دو مسأله است:

مسأله ی اول همین که کار کم شده

نمایندگی ها پول کم روان می کنند.

ک: دلیل اش چیست که نمایندگی ها پول کم روان می کنند؟

NAAPrivateKabul280818: فروشات شان یک کمی کمتر است. ما در فروشات اوگرایی آنها سر و کار نداریم. ما فقط همین نمایندگی ما آدم های بسیار صادق است و هیچ وقت نشده که دست ما ره خالی مانده باشند. دست ما پور بوده. اما از این که فروشات کم شده [آنها پول روان کرده نمی توانند]. مال می برند!

ک: مال رفته در نمایندگی مانده؟

NAAPrivateKabul280818: آفرین!

ک: نمایندگی ها مستقل استند از شما یا جزء شرکت هستند؟

NAAPrivateKabul280818: نمایندگی ها ما کلگی مستقل هستند، قرارداد داریم. تضمین داره کل نمایندگی ها. و در ضمنش نمایندگی های نیسته که آنها آدم های چی باشند [غیرصادق]. آدم های بسیار درست. آدم های بسیار سالم است. و دستش اگر خالی نباشه، هیچ وقت ما ره بی پول نمی مانه.

ک: شما آنا برای مالتان پول نمی گیرید؟

NAAPrivateKabul280818: نی نقده نیست. نمایندگی پول روان می کنه. مثلا اگر پرسان کنیم که چقدر پول به ما روان می کنید؟ و آنها بگویند 5 هزار دالر. میگیم مستقیما تهران حواله کنید، به این شماره. که جنس بیایه [مواد خام بیایه برای ما]. یا این که مستقیما اینجه روان می کنن.

ک: که مواد خام بخرید؟

NAAPrivateKabul280818: ها دیگه زیادتر مشکل ما همین مواد خام اس. در همین خرید مواد خام ما مشکلات داریم.

ک: معاش کارگرها؟

NAAPrivateKabul280818: فرق می کنه! فقط همین سه نفر انجنیرهای که در بعضی جریان ها است، همونها 14 هزار و 15 هزار است. بقیه کارگرها که است که از همین 10 هزار شروع است تا 9 هزار و 8 هزار و [...] خانم ها کلا 6 هزار اس و 6 و نیم هزار. بدون البته اضافه‌کاری اش.

ک: سرمایه ی کلی شرکت از ارزش ماشین آلات، تعمیر ساختید، چیزهای که بالای بنیاد همین شرکت مصرف کردید؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا یک 5 لک دالر شرکت باقی است، قرضدار است. اما سرمایه ی شرکت بد نیست. تقریبا در حدود تخمینی در سال 96 11 لک یا 12 لک ما داشتیم در حساب خود. که اینها در بخش ها تقسیم.

ک: این شامل ماشین آلات میشه و؟

NAAPrivateKabul280818: این شامل ماشین آلات میشه، ساختمان میشه، مواد خام میشه، مواد پخته ی داخل انبار میشه، و سرمایه ی در مسیر راه.

ک: شرکت شامل اتحادیه ی صنعتی؟

NAAPrivateKabul280818: بله! ما در اتحادیه ی سرتاسری افغانستان الحمدالله رول مهم داریم شخصا. و آغای کمین زاده که در رأس کار است یکی از برنامه های ما همراه کمین‌زاده صیب از سال های 91 این بود که اتاق صنعت از تجارت باید جود شوه. که از او سال ره در سال 97 [تصحیح] 96 توانستیم که اتاق صنعت ره از تجارت جدا کردیم.

ک: نقشی داشته عضویت؟

NAAPrivateKabul280818: نی! این طور است که کمکی ما سالانه است. سالانه شرکت های است که زیادتر میتن و ما هم در حدود 15 هزار، 20 هزار تا 30 هزار افغانی کمک کرده ایم. غیر مستقیم نه این که مستقیم.

ک: کل شرکت ها باید حق الزحمه بتن؟

NAAPrivateKabul280818: میتن، بعضی های زیاد و بعضی هایی کم.

ک: کمک آنها چیست باز؟

NAAPrivateKabul280818: حالی مثلا ما یک مشکل داریم، مثلا مه در وزارت تجارت مشکل دارم، باز قبلا که بود مشکلات های ما زیاد بود. به خاطری که مه این درخواستی ره که به وزارت تجارت می بردم تقریبا باید 5 روز باید دنبال این کار می گشتم. از این شعبه به او شعبه و به همین ترتیب. و حالی بعد از این که که آیسا منحل شد و مربوط وزارت تجارت و صنعت شد، حالی فعلا مشکلات کمتر شده. حالی ما مثلا درخواستی [اگر] داریم خود ما هیچ نمیریم. درخواستی خوده ما نوشته می کنیم که مثلا ما این مواد خام ره ضرورت داریم. این میره در دفتر اتحادیه. دفتر اتحادیه باز او ره مکتوب مستقل نوشته می کنه به مرجع مربوطه به وزارت تجارت، که معین صنایع است. معین احکام میته و او یک پروسیجر داره که او ره طی می کنه و او مستقلا مکتوب نوشته می کنه به گمرکات. که مثلا همین آدم با این شرکت برادرجان حق اولویت داره و این مواد خام این ره باید طبق برنامه ی که دولت داره که به 1% اس [تعرفه بگیرید]. کارم حالی راحتتر شده. از او پیش که بود غیرمستقیم بود کارها. حالی از وقتی که همین اتاق صنایع از تجارت جدا شده حالی کار ما یک مقداری رونق گرفته، قانونی شده! و همی طور اتومات پیش میره. حالی ما درخواستی خوده دادیم به وزارت تجارت، و وزارت تجارت کارهای خوده ردیف کرده و روان کرده به گمرکات. از اونجه برایم اسناد روان کرده که در 14 این تاریخ کارهایت تمام است بیا اسناد خوده ببر. این یک برنامه ی بسیار خوبی شده و رییس گمرکات یک آدمی بسیار فعال است و آدمی بسیار خوبی است و مشکل تراشی نمی کنه. قبلا مشکلات هایی بودند و کارهایی بودند. و حالی فعلا همین مسیر کوتاه شده.

ک: شرکت نُه سال میشه که فعال است؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا 10 سال میشه که فعال است.

ک: در وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟

NAAPrivateKabul280818: قبلا که بود ما کارهای تجارت داشتیم و زیادتر ما کارگری کرده ایم.

ک: در کجا؟

NAAPrivateKabul280818: در ایران و خودم یک سفر پاکستان بودیم. و بچه و برادرهایم کلگی بنا بودند و استا بودند. همین یک مقدار کارهای که می بینی از آفله [آبله] دست شخص خودما هستند. این طور نبوده که ما از بابه کدام چیزی [برای ما] مانده باشه. تنها بنا بر مشکلاتی که برای ما در سال 93 پیش شد یک دانه باغ در وطن داشتیم که او ره فروختی [فروختیم]. تقریبا در 4، 5 هزار دالر سودا کردیم. از بابه همون بود که همو ره فروختیم و سرمایه اش آمده در شرکت. دیگه ما تماما از غافله ی [آبله] دست خود. همی حالی هم نفر داریم که در بعضی جاها کنترات [contract قرارداد، گویش ایرانی؟] می گیرند و کار می کنند. و یک مقدار پولی که زیادگی دارند در اینجه به ما روان می کنند. و ما همینجه بالایش کار می کنیم.

ک: در دیگر جاهای کانترکت دارند؟

NAAPrivateKabul280818: ها ها. یا ساختمانی جور می کنند. کونترات به این معنی که ساختمان از شما است، فقط می گویید که مه به این شکل ساختمان طلب دارم و نفر برای شما جور می کنه.

ک: پس در زندگی شما بیشتر مصروف کار بوده اید؟

NAAPrivateKabul280818: بیشتر مصروف کار بودیم. حالی هم مصروف کار هستیم. همی حالی هم که همینجه هستیم تا ساعت های 5، 6 که هستیم خانه که میریم بیکار نیستیم. اونجه حتما باید یک کاری انجام بتیم. چرا که عادت کردیم در کار [کردن]. چرا که آدم کار نکنه [قطع]

ک: از چند سالگی شروع کردید به کار؟

NAAPrivateKabul280818: ما تقریبا از سن 14 و 15. از 15 سالگی که شروع کردیم در کار [...] او وقت در دوره ما مکتب نبود. خیلی کم بود. مثلا در مکتب خانگی رفتیم. مه خودم، برادرم، کاکایم، ما فقط به مکتب خانگی رفتیم. از الف بی شروع کردیم کار ره. تا سند 14 و 15 [درس خواندیم] بعد از او برادر دنبال کار برآمدی [برآمدیم]. در هر جایی که رفتیم. اول شاگردی کردیم و بالآخره اوستا شدیم و بالآخره انجنیر شده نفرهای ما الحمدالله. فقط کار ما همین رقم بوده. ای نبوده که مثلا [...] یک وقتی در افغانستان طوری بوده که اگر از مکتب نام می گرفتی فغان مردم به آسمان بلند میشد [از روی محافظه کاری]. منطقه ی ما منطقه ی جاغوری است. در او وقت خوب به یادم مانده دقیق که کاکایم به خاطر بچه ی خود یک و نیم سیر روغن زرد ره گرفته بود به همو سرمعلم داده بود که بچه ی مه ره از همی مکتب خلاص کو. که همی بچه ی ما ره از مکتب خلاص کو. چرا که میگفت اونجه که بروه کافر میشه. هیچ مکتب [لازم نیس] و قرآن بخوانه [کافی است]. دیگه، چی ما باشیم، چی بچه های برادر ما باشه و چی بچه های کاکا باشه، همین قریبا 16، 17 نفری که هستیم کلگی از سن 17 و 18 و 20 فقط کارگر شدیم و اوستا شدیم و انجنیر شدیم و بالآخره رسیده ایم به اینجه.

ک: یک دفعه ازدواج؟

NAAPrivateKabul280818: بله ما یک دفعه.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

NAAPrivateKabul280818: چرا [نی]. زیاد مطالعه دارم.

ک: در چی بخش هایی؟

NAAPrivateKabul280818: در بخش تاریخ زیاد مطالعه دارم. در بخش صنعت زیاد مطالعه دارم. و در بخش کارهای که از چی طریق آدم باید پیش بره مطالعه زیاد کردیم و کتاب ها زیاد داریم ده خانه که اونها ره هم زیاد مطالعه دارم.

ک: موسیقی؟

NAAPrivateKabul280818: چندان او قدر علاقمند نیستیم.

ک: اگر گوش بتین: افغانی، ایرانی [قطع]

NAAPrivateKabul280818: اگه گوش بتیم هر کدامش که باشه مقصد سر و صدا باشه خوش هستیم. اما زیادتر مه ده مطالعه خوشم [خوش هستم].

ک: تصویر مالی شما در نزد شما و در نزد مردم؟

NAAPrivateKabul280818: خدمت عرض شوه که ما تقریبا از بابه کلان خود وصیت داریم که هیچ چیزی ارزش نداره و چیزی که ارزش داره مسؤلیت اس. ما هیچ وقت [...] همین حالی مه خودم در همینجه یا در منطقه که میرم هیچ کسی نمی فهمه که مه چی کاره هستم. هیچ کس! به خصوص بیرونی ها خو هیچ کس نمی فهمند. حتا در ریاست جمهوری هم که میرم فقط کلای مه ره سیل می کنن. دیگر چیزها ره اصلا تلاشی نمی کنن. این [سادگی] ره ما دوست داریم. در جامعه هم که هستیم در روزها جمعه [...] یک 60، 70 خانه ای که در منطقه هستیم صبح صبح ختم قرآن داریم. همونجه هم که میریم مثلی یک فرد عادی. به ریش سفیدی مه احترام دارند [نیست که نداشته باشند] اما احترام سرمایه هیچ وقت مطرح نیست پیش ما [نبوده]. در ضمنش یکی از برنامه های زندگی انسان این است تا زمانی که میگه انسان غرور پیدا نکرده، شکست نداره. زمانی که غرور پیدا کرد چی بخواهی چی نخواهی شکست برایت می آیه.

ک: تحصیلات؟

NAAPrivateKabul280818: ما تقریبا درس ملایی یا خانگی میگن، همین تا 14، 15 سالگی تا یک جایی ره خوانده ایم. بله. یک مقدار بلد هستیم.

ک: اگر وقتش ره داشته باشید [سه گزینه]

NAAPrivateKabul280818: مه دو چیز ره دوست دارم: یکی که مشاجره قانونی باشد، انسانی باشه خیلی دوست دارم. با دوستی که طرف هستم کلماتی استفاده شود که پیشرفت داشته باشد [آموزنده باشه]. دیگه، در قرغه گفتید و چکر بامیان و این جاها گفتید، ما تنها [رفتن] ره دوست ندارم. با فامیل دوست دارم برم. کتی همو خُرد و ریزه و اشتک ها هم که باشه ساعتم تیر است. تنها نی.

ک: نقطه ی شهر؟

NAAPrivateKabul280818: ما فعلا [مکث طولانی] در شهرک حاجی نبی زندگی می کنیم.

ک: قبلا هم همونجه بودید؟

NAAPrivateKabul280818: ما کلا جاغوری بودیم قبلا. در سال 91 و 92 ما کوچ آمدیم کابل. در همو 91 و 92 در کمپنی زندگی کردیم و اونجه هم یک حویلی داریم فضل خدا. حالی فعلا در شهرک حاجی نبی در خانه ی کاکایم که ایلا است و کسی نبود، همونجه می نشینیم.

ک: اطفال خصوصی یا دولتی؟

NAAPrivateKabul280818: اطفال ما فضل خدا کلگیش برآمده. مکتب های دولتی بودند همگی. یک دخترم از پوهنتون بامیان خلاص شد. باز همو بورسیه میگن یا دکتورا میگن چی میگن، در پوهنتون امریکایی ها خواند و عروسی اش شده. دیگرش است پوهنتون پول تخنیک برآمد ولی تا که او برآمد یک برادرم نیوزیلند زندگی می کنه او آمد او ره اونجه برای خود برد [به فرزندش عروس برد] حالی یک دخترم که است بورسیه آمد از دوجای برایش. یکی قزاقستان دیگه ترکمنستان. باز بالآخره قزاقستان رفت. دیگه یک بچه ام صنف 12 است که امتحان کانکورش ببینم چی میشه و یک دختر صنف 11 است. یک بچه ام از پوهنتون هرات برآمد که فعلا نیست و ده خارج اس. همراه فامیل خود. دیگه ما همینجه تنها هستیم.

ک: پس همه در نهادهای دولتی؟

NAAPrivateKabul280818: ها کلگی اش. همگی شان پخته برآمدند.

ک: در اول که شرکت ره ایجاد کردید طبعا یک نفر [قطع]

NAAPrivateKabul280818: اینجه مختلط بود از ما. یعنی مشترک بود. اعضای فامیل جمع شدند.

ک: به شکل مادی و معلوماتی [قطع]

NAAPrivateKabul280818: ما داشتیم، معلومات کلی ره ما داشتیم. یک نواسه ی کاکایم در ایران هم زیاد کار کرده بود. در درون این کارها بود. و از درون این کارها نتیجه گرفت و بالآخره ما ره متقاعده کرد که ما باید همین کار ره بکنیم که نتیجه ی خوب داره. حالی فعلا سه نفر فنی داریم، از خود داریم نه از بیگانه.

ک: موتر شخصی؟

NAAPrivateKabul280818: موتر یک کورولای شخصی دارم.

ک: قبلا هم داشتید؟

NAAPrivateKabul280818: قبلا [مکث] داشتیم. موترهای کاماز بودند که آنها ره فروختیم و یک موتر کوچک گرفتیم. ما خودم پیاده میریم و می آییم. موترهای لاینی میریم. موتر شخصی نمیریم. چرا که ما تجربه ره داریم. بسیار موترهای عادی!

ک: چرا در موترهای شخصی نی!

NAAPrivateKabul280818: چرا به خاطری که ما می فهمیم که اوضاع از چی قراره. در بسیاری کس های دیگر ما دیدیم [که برایشان حادثه رخ داده]. اگر چند موتر در افغانستان قیمت نداره [ارزش اش زیاد بالا نیس]. مثلا 10 هزار، یا 15 هزار همو موتر لوکس و بالایی اش که 50 هزار اس نه، همین موترهای دیگری، زیادتر از همین خاطر که ما شرکت داریم! بابا شرکت یعنی چی؟ که خودشان است و یک نفر موتروان دارند. نه! [ما این گونه نیستیم]. ما خود ما یک موترک خورد داریم. کورولا.

ک: حج هم رفته اید؟

NAAPrivateKabul280818: ها خدا قبول کنه. یک پیره.

ک: سفرهای تفریحی مه میرین؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا نه. از سال 92 و 93 دیگه نرفتیم. از او پیشتر زیادتر طرف ایران می رفتیم طرف قزاقستان می رفتیم. حالی هم یک نواسه ی کاکایم در قزاقستان اس.

ک: از برکت درآمد شرکت صاحب خانه شده اید؟

NAAPrivateKabul280818: خدا ره شکر می کنیم ولی تا به حالی از شرکت ما چیزی [بزرگی] ندیده ایم و هر قدر هم که از شرکت پیدا شده در خود شرکت مصرف شده. و اگه جای گرفتیم یا خانه گرفتیم یا بیرون بچه ها رفته اند، کلگی از مصرف های شخصی. هر کس کار کرده و پیسه ی خوده پیدا کرده.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بدهید؟

NAAPrivateKabul280818: آدم های خوبی هستند. یک عده دوست های ما همینجه از مردم جلال آباد هستند. دیگه، اوغان هستن دیگه. تفاوت ها که اینها اوغان هستن پیش ما مطرح نیست. ما همینجه از دوست های ما اس و رییس رادیو تلویزیون اس. تقریب یک دو سال پیش دخترشه به بچه ی برادرم گرفتیم. همراه ما است همینجه. دوست های دیگری هم که داریم کارگرند زیادترشی. در بخش صنعت نداریم. زیادترشان کارگر هستند.

ک: نحوه ی تصمیم گیری در شرکت؟

NAAPrivateKabul280818: توسط یک نفر نمیشه در اینجه. برنامه ریزی میشه و این که به چی شرایطی اینجه کار پیش بره. مثلا پیشنهاد دادیم که حالی مه ریش سفید شدیم و خستگی زیاد داره و شما باید یک نفری را انتخاب کنید که اینجه بیایه.

ک: در باره ی مصارف کلان و توزع مفاد [قطع]

NAAPrivateKabul280818: در مشوره با هم.

ک: چند نفر؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا 10 نفر.

ک: که همگی سهم دارند؟

NAAPrivateKabul280818: کلگیش سهم دارند! گفتم که فامیلی است این شرکت که مختص به یک فرد باشه. به نمایندگی مه همینجه هستم. آنها کار می کنند و روان می کنند [از خارج] و ما اینجه کار می کنیم یا ده شرکت مصرف می کنیم و مثلا مواد می خریم.

ک: دیگر سهمدارها اینجه نیستند؟

NAAPrivateKabul280818: نی!

ک: کجاها هستند؟

NAAPrivateKabul280818: هستند بعضی وقت ها کابل می آیند، یکیش قزاقستان است. یکیش ده ایران کار می کنه. یکی دیگرش در استرالیا است.

ک: این تصمیم هم وجود داره که شرکت ره به جای دیگری انتقال بتین؟

NAAPrivateKabul280818: نی! برای فعلا نه. فقط درخواست داده یم! به دولت درخواست داده ایم که می خواهیم رُشد بتیم این شرکت ره به خاطری که این جای ما خیلی خورده. و درخواست داده ایم در صنایع و از اونجه هم اوکی شده و تا که توزیع زمین شوه در یکی از پارک های صنعتی، نظر ما این است که به شریک ها بگویم که باید این شرکت باید رُشد پیدا کنه. امکان داره که اگر زمین بته [دولت] ما تصمیم قاطع داریم.

ک: تقسیم اوقات جلسات چگونه است؟

NAAPrivateKabul280818: مثلا معمولا از دو نفر یا سه نفر شروع میشه که ما یک بحث ره شروع می کنیم و [دیگرها آهسته آهسته دخیل میشن]. زیادترشان از ما تلیفون اس. باز آنها نظر خوده یک می کنند و باز به مگین که نظر تو چیست باز مه میگم که صحیح است.

ک: تقسیم اوقات دارید؟

NAAPrivateKabul280818: شش ماهی در شش ماه.

ک: برای کارگرها برعلاوه ی معاش؟

NAAPrivateKabul280818: در روزهای عید، عیدی یک مقداری کمک میشه.

ک: نان و جای بود و باش؟

NAAPrivateKabul280818: کارگر شب باش نداریم. کارگر خودشان همینجه نان خوده میارن، همینجه می خورن و کار می کنن. از 12 تا 1 تعطیل اس. 8 ساعت کار می کنن. نفرهای که شب کار می کنن باز علیده اس.

ک: رابطه یتان با شرکت های دیگری که در عین صنعت هستند؟

NAAPrivateKabul280818: به لطف خدا خوب اس و مشکل نداریم. اصلا ما رقابت نداریم کتی هیچ کس. همینجه می آیند فرمول برایشان میتیم. او که اصلی که پیش ما اس پیش ما اس. فرمول میتیم که اصلا کار کنن و دوست هم داریم کارشانه. به خاطری که برای مال در افغانستان هیچ گونه مشکلی وجود نداره، به خود البته. به خاطری که جنسی که ما داریم حالی دنبالش می گردند [فروشش خیلی خوب اس].

ک: نهاد دولتی که به شما جواز دادند، آیا رهنمایی کردند که در افغانستان وضعیت مارکیت به این شکل اس و وضعیت صنعتی که شما در آن سرمایه گذاری می کنید این گونه اس؟

NAAPrivateKabul280818: این طور اس که تا امروز در افغانستان، مخصوصا در او سال 88 این زمینه ها اصلا فراهم نبود. همین طور یک نفری نبود که نفر ره رهنمایی کنه. مردم ها خودی خود کارها ره پیش برده اند. نظری نبوده مثلا نظر فنی یک کسی. حتا ما این ره درخواست دادیم به دولت. درخواست ما تا بسیار وقت ها بود در آیسا. که یک نفر فنی برای ما بتی که ما ره فرمول بته. همین طور یک نفر نداشتند.

ک: همکاری دولت در جریان این نُه سال در چی شکلی بوده؟

NAAPrivateKabul280818: اصلا ما کمکی ندیده ایم. فقط همین زمین ره داده در مقابل 60 هزار دالر.

ک: فروختند؟

NAAPrivateKabul280818: فروختند آری.

ک: در قسمت تعرفه و اینها؟

NAAPrivateKabul280818: در قسمت تعرفه [ها] با ما سال 96 نمی فهمم برج چند بود کمکی کرده.

ک: چند فیصد بالا برده؟

NAAPrivateKabul280818: همین مواد خام ما قبلا که بود 14% تا 5% محصول میشد. حالی فعلا در دو قسمت است، یکیش به 2.5% اس و بقیه اش که است 1% است. این کمک ره دولت برای ما کرده [بله].

ک: نهاد عام المنفعه ای که شما نسبت به تعهد کنید و کمک کنید؟

NAAPrivateKabul280818: نیست. نی نی!

ک: در جریان نُه سال گاهی احساس کرده اید که کار تولید با صرفه نیست و خواسته باشید دروازه اش [قطع]

NAAPrivateKabul280818: بسیار مشکلات ها پیش آمده. بسیار مشکلات ها پیش آمده اما از این که پشتیبانی داشتیم [قطع]

ک: کی بوده پشتیبانه؟

NAAPrivateKabul280818: همین کارگرها ما، برادرم مثلا در ایران کار می کرد و وقتی میگفتم که این مسأله است 20 میلیون تومن برایم روان کو. او از دوست ها قرض می کرد و به مه روان می کرد [مثلا]. اما ما تاوان هم زیاد دیده ایم. ما همینجه یک فرمولی آوردیم از یک انجنیر ایرانی بود که از آلمان آورده بود او. یک فرمول شمامپ بود و این فرمول ره به ما داد و ما درخواست کردیم خودش آمد همینجه. تقریبا در ماهی یک میلیون تومن او اوجوره داشت که می آمد اینجه برای ما کار می کرد. ما تقریبا 15 روز این آدم ره کار گرفتیم اینجی. این فرمول جور کرد برای سه نمونه شامپو. یکی 250 گرام بود. زمانی که سر ره می شیشته فکر می کرده که چرب هم کرده ای. یکی دیگر برای مو رفتگی. یکی دیگر عادی. ما تقریبا 10 هزار کارتن طلب کردیم – کارتن خالی او وقت در افغانستان نبود. حالی فعلا الحمدالله کارتن چند شرکت است که تولید می کنن. ممکن که یکی کمی قیمت تر است از جنسی که برای ما از ایران می آمد – کارتن های ما از ایران برای ما مفت می آمد. کرایه ما نداشتیم. به خاطری که مواد پخته زیر بود او ره [کارتن ره] ده سر می زد [می مان]. از این که فعلا در افغانستان همین کارتن تولید میشه از همینجه می خریم. خلاصه این که ما کارتن زیاد طلب کردیم بوتل زیاد طلب کردیم. ما تقریبا یک حدود 500 کارتن از همین سه نمونه ما جور کردیم. ما تقریبا در هر کارتنش که 48 دانه بود ما در هر کاتنش 5 دالر تاوان این ره در بازار کشیدیم. باور کنید که ما یک کارتنش ره هم فروخته نتوانستیم. همین 500 کارتن ره ما در [...] مثلا تمام‌شد ما بود 12 دالر، ما همو ره در 4 دالر فروختیم.

ک: این اولین بار بود که شما تولید ره شروع کردید؟

NAAPrivateKabul280818: همین اولین بار بود که ما تولیده شروع کردی و فرمولش هنوز هم اس. اما بند کردیم به خاطری که نتانستیم کارشه پیش ببریم. همو تاوان ما ره خیلی خسته کرد. اما دیگه الحمدالله به او صورت دیگه مشکل ندیده ایم.

ک: در این 9 سال دیگر؟

NAAPrivateKabul280818: نی. کم‌فروشی و سقوط فروشات آمده! بعضی وقت ها بارگیری شده و در مسیر راه وضع خراب بوده پس آمده. کلش تاوان اس نی. این مشکلات ها ره دیده ایم. اما همو [قطع]

ک: با وجود این که گفتید وضعیت امنیتی خراب است و فروشات کم شده، دلیل چیست به کارتان ادامه میتین؟

NAAPrivateKabul280818: به خاطری که به مصرف بسیار زیاد این کارخانه جور شده. و به این سادگی آدم [کار ره بسته کرده نمیتانه]. همی حالی هم از بازار اگه ما 10 روز عقب بمانیم، تمام زحمات ما رفته دنبال کارش [اگر 10 روز هم ما عرضه نداشته باشیم تمامی شبکه های خرید از میان می روند]. دیگر جنس ها جای جنس ما ره می گیره. این یکی از مشکلات های عمده اس. باید به هر شرایطی که باشد، تاوان باشه یا فایده باشه باید پیش بریم. باید ادامه بتیم!

ک: آخرین بار در کدام سال برای توسعه ی شرکت پول مصرف کردید؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا هر سال یک مقدار مصرف شده.

ک: آخرین بار مثلا؟

NAAPrivateKabul280818: ما یک برنامه داشتیم امسال که قسمته ساختمان داشتیم. جای تنگ بود و جای ره کلان کردیم. که 14 لک روپیه افغانی مصرف شد.

ک: مارجن مفادتان چند اس؟

NAAPrivateKabul280818: ما این طور اس که معیار نداره. مثلا نمایندگی ما که در جلال آباد اس، مه مثلا میتم همی کارتن مایع ظرف‌شویی ره ده 5 دالر، بعضی کس های دیگه است که رقابت منفی دارند، بسیار کس ها است، بسیار زیاد کس ها است، مخصوصا در جلال آباد که مه نمونه هم به یاد دارم، ما برایش 5 دالر میتم. آنها برای ما تلیفون می کنن و میگن که جنس ما والله خیلی قیمتش بالا است و مردم ارزان طلب داره. دیگه شرکت آمده که در 4 دالر و 50 سنت میته. چی کار باید کنیم؟ حالی اگه بگوییم که "نه!" اینها اگه در 5 دالر میتم حد اقل باید یک 15 یا 20 سنتی باید فایده کنه. در حالی که رقابت دیگر جنس آمده و 4 دالر و 50 سنت می فروشه. اینجه تقریبا 70 سنت برای ما تاوان اس. اگر 20 سنت از نمایندگی تاوان اس، 50 سنت دیگر هم شرکت تاوان می کنه. حالی اگر این ره بانی [نفروشی به این قیمت] جای جنس ما ره دیگه جنس می گیره. مجبور هستی که او تاوان ره بکشی. سودش اگر [...] این طور نیست که هر وقت بی سود باشه. 5 سنت، 10 سنت، باید فایده کشیده شوه. اما در مقابل او باید [در بعضی مواقع] تاوان [هم] بکشی. اگر تاوان نکشی از بازار می افتی.

حالی زیادتر مشکلات مرزهای افغانستان اس. مال غیرقانونی و قاچاق [...] که نمونه اش پیش ما اس همینجه پیش ما اس در لابراتوار. بدون کیفیت از ایران و پاکستان می آیه و در بازار عرضه میشه. اما خوشبختانه خوشبختانه امروز مردم یک مقداری آگاه شده. یک مقدار فهمیده شده. حتا از بیرونش می فهمه که چی قسم جنس اس.

ک: باز هم یک تخمینی پیش تان وجود داره که چند فیصد [قطع]

NAAPrivateKabul280818: از ما فیصدی نیست. در سنت [cent] است. ممکن در بعضی جنس ها ما 5 سنت فایده داشته باشیم، 10 سنت، 15 سنت هم فایده داشته باشیم. حد اوسط [...] همین رقابت های منفی یک اندازه تاوان میته آدم ره. ما اما کتی کسی رقابت ندارم. همی حالی فعلا ما در سال 92 ما یک [مطالعه] داشتیم تقریبا 48 کارخانه ی غیرقانونی در افغانستان بود. همی حالی در دم دروازه برو در بشکه ها مثلا بوتل های 4 لیتر ره میته به 69 افغانی. می فهمید؟ چرا که در بین بشکه یک کمی اسید می اندازه شور میته شور میته، رنگ که پیدا کرد، گرفته می بره در بازار به فروش میرسانه. این مشکلات ها اس. 48 کارخانه در کابل بود. شکایت های ما در کجاها که نبرآمد. امنیت رفتیم و بالآخره در جاهای مختلف تا زمانی که آیسا منحل شد. آنها جواز ره تمدید نکردند. از طریق وزارت تجارت که اس حالی هیئت باید بروه و زمانی که مثلا معرفی استند خو گپی نیس و کس ها که تازه می خواهند جواز بگیرند، میره جایشه می بینه، منطقه ره می بینه. روی این مسأله آسان نیس کسی جواز بگیره. حالی هم 10، 12 کارخانه ی غیرقانونی ره دیده ایم. این خو تولیدش بسیار آسان اس و مشکل نداره و مردم هم نمی فهمه که این عوارض جانبی داره. این مواد کیمیاوی اس و باید 6 ساعت در مکسر باید مخلوط شوه. باز زمانی که مخلوط شد قابل استفاده اس.

ک: چند فیصد مواد خام از داخل و چند فیصد از بیرون به دست می آید؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا 60 فیصد مواد خام از بیرون می آیه. 40 فیصدش ره از داخل می خریم.

ک: از داخلی چیست؟

NAAPrivateKabul280818: زیادترش نمک اس. و چند قلم دیگر که تجار می آورند.

ک: این تجار هم از بیرون می آورند؟

NAAPrivateKabul280818: حتما از بیرون می آیه دیگه. افغانستان چیزی نداره.

ک: کارتن؟

NAAPrivateKabul280818: همو هم که از خارج می آیه دیگه. مواد خامش از خارج می آیه و همینجه کارتن جور میشه. بوتل ها اینجه مشکل نداریم. بوتل فقط ما مواد خام ضرورت داریم دیگر کارخانه اتومات هر دیزانی که ما خواسته باشیم بوتل ره خود تولید می کنیم. پری-فورمش ره هم خودما تولید می کنیم. و بوتلش ره هم.

ک: سرپوش هم؟

NAAPrivateKabul280818: فقط مشکل این داریم که در مسیر راه است همو قالبش. ماشینش همینجه آماده است.

ک: پری-فورم ره خودتان جور می کنید؟

NAAPrivateKabul280818: بله. مواد خام ره می خریم و باز در ماشین جور می کنیم.

ک: ماشین خام ره از کجا می خرید؟

NAAPrivateKabul280818: تقریبا یک ماه یک و نیم ماه شده که مشکلات های بیرونی داریم، و وضع مالی درست نیه، همینجه دو تُن و سه تُن از همین کابل می خریم.

ک: چی ره؟

NAAPrivateKabul280818: مواد HD ره، مواد خام ره که برای پری-فورم به کار میره.

ک: در کابل باز تولید پلاستیک است؟

NAAPrivateKabul280818: زیاد. پلاستیک زیاد داریم ما. پلاستیک در همینجه تولید میشه [here the interviewee is being prevaricating in his answer. Plastic production is a highly advanced industry and Kabul doesn’t have the industry at the moment. What is called plastic production is mainly recycling used plastic and turning it into raisin, which is then melted and shaped into needed designs]

ک: از این جمع در بین کارگرها؟

NAAPrivateKabul280818: دوست و از اقارب هم [...] تقریبا 4، 5 نفر از اقارب است. دیگر از ولایت ها یک 2، 3 نفر است. دیگر کلش از همین اطراف ما است. کارگرها مختلط است.

ک: مشکلی با رقیب های خارجی دارید؟

NAAPrivateKabul280818: نی! یک وقتی با ترکیه داشتیم که جنس ترکیه زیاد می آمد اینجا. با ایرانی داشتیم. با پاکستانی داشتیم. فعلا کم شده. از ترکیه خو بیخی ایستاد شده.

ک: حد اوسط چند ساعت کار می کنید؟

NAAPrivateKabul280818: 8 ساعت. که قانونی اس.

ک: کارگرها؟

NAAPrivateKabul280818: همه به همین شکل. ساعت 7 می آیند، ساعت 12 تعطیلی اس برای نماز و این چیزها، ساعت 4 رخصتی اس.

ک: بازاریابی تان رو در رو اس یا از طریق انترنت و تلیفون هم رخ داده؟

NAAPrivateKabul280818: این طور اس که تا به حالی ما دُنبال این گونه موارد نگشته ایم، خودشان آمده اند. خودشان در شرکت آمده اند. یادم است که همین نمایندگی تخار یک نفر تلیفون کرد که 10 کارتن برای ما روان کنید. ما روان کردیم و تا به حالی هم او در شرکت پا نمانده. قرارداد خوده هم از همونجه روان کرده. تلیفون کرده، پیسه ی خوده حواله کرده و مه اینجه گرفتیم. تقریبا دو سال میشه و ما هیچ مشکلی نداریم همرایش.

ک: زیادتر اما رو در رو است یا تکنولوژی؟

NAAPrivateKabul280818: زیادتر رو در رو است.

ک: شده که از درآمد این شرکت در یک بخش غیرتولیدی سرمایه گذاری کرده باشید؟

NAAPrivateKabul280818: تا به حالی نتانستیم. اما در آینده پلان داریم که همی بخش خوده وسعت بتیم. در بخش تولید پلاستیک ما تصمیم داریم. یا تولید چیزهای نمونه، و سبد میوه. ما همین حالی هم ماشین گرفته ایم که ده پُشت کارخانه اس و سبد تولید می کنه کم کم. اگر دولت برای ما جای بته ما اینها ره می بریم ده اونجه.

ک: انگیزه در بخش تولید؟

NAAPrivateKabul280818: دو مسأله بود: یک برنامه ای اس که تا جایی خیلی مفید تمام شد برای ما. دوم این که ما نفر داشتیم در درون این که برای ما کار میتانست. باعث زیادترش همو شد که همین کار ره باید بکنیم. و خوشبختان و خوشبختانه [...] در او وقت مه هم در ایران بودم و همونجه در بوشهر کار می کردم در یک جای. و او نفر [دوست ما که انگیزه داد] آمده بود اینجه [کابل] درخواستی داده بود به خاطر زمین. برای زمین قرعه کشی شده بود و همین زمین از یک کسی دیگر بود. قانون آیسا این طور بود که باید پیسه ره بته. این آدم صاحب این که بود این پیسه ره تکمیل نتانست. در همو قرعه کشی نفر دوم ما بودم و ما دستی پیسه اش ره ما تحویل کردیم و زمین ره گرفتیم. باز او دیگر همی نفر ره ما داشتیم که در ایران در همین بخش کار کرده بود و آینده داره.

ک: در این که پولتان بند می افته در افغانستان و اینها [قطع]

NAAPrivateKabul280818: نه نه! او گپ ها ره ما هیچ مطرح نداشتیم. از این که این طور نبود که ما یک دفعه ای یک مقدار پوله سرمایه گذاری کرده باشیم. یک 10 هزار یکی روان کرد یک 20 هزار یکی روان کرد یک 30 یکی دیگر روان کرد و همین رقم کار ره شروع کردیم.

ک: کار تجارت تان در چی بخش بود؟

NAAPrivateKabul280818: بیشتر همین پودر [گویش ایرانی] یکتا ره سودا می کردیم. از ایران می آوردیم. انحصاری بود پیش ما. تا این که او هم شکست خُرد و رفت.

ک: تشکر

NAAPrivateKabul280818: ممنون از شما.